

## منتقدان حدیث شیعه؛ تحلیل موضوع و زمینه‌های پیدایش آن در ایران معاصر

شهرام داراب پور\*

تاریخ دریافت: ۹۸/۲/۳۱

مهدی مهریزی\*\*

تاریخ پذیرش: ۹۸/۶/۲۶

سیدمحمدعلی ایازی\*\*\*

مهرداد عباسی\*\*\*

### چکیده

ظهور منتقدان حدیث شیعه را می‌توان جریانی دانست که در دوره معاصر با شعار بازگشت به قرآن، مبارزه با خرافات و اتحاد مسلمانان و کم رنگ کردن نقش سنت در هندسه مسائل دینی در ایران شکل گرفت. مطالعه پیش رو بر آن است ضمن معرفی جریان منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران و تفاوت آن با قرآنیون، طیف‌ها و گروه‌های مختلف این جریان فکری را برشمارد. سر آخر به طور مبسوط مهم‌ترین زمینه‌ها و علل پیدایش این جریان فکری که مربوط به گروه‌های دوم و سوم این جریان در این پژوهش می‌باشد را در دو قسمت زمینه‌های عام که عبارت‌اند از اصلاحات دینی در یهودیت و مسیحیت، آشنایی با تجدد و تمدن جهان غرب، آشنایی و ارتباط ایرانیان با متفکران نواندیش جهان عرب و زمینه‌های خاص که عبارت‌اند از تأثیرپذیری منتقدان حدیث شیعه از جریان وهابیت، پیدایش شخصیت‌های روشنفکر و مهجوریت قرآن می‌باشد را بیان کند.

**کلیدواژگان:** حدیث، تشیع، ایران، نقد حدیث، قرآن.

---

\* دانشجوی دکتری گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.  
toosi217@gmail.com

\*\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

\*\*\* استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده حقوق، الهیات و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

نویسنده مسئول: مهدی مهریزی

## مقدمه

در دوره معاصر یکی از مباحث مهم در مطالعات حدیثی، بحث تعامل و رابطه قرآن با سنت و حدیث می‌باشد که در این تعامل چند جریان فکری به وجود آمده‌اند، که می‌توان به قرآن‌بندگان در تفسیر، قرآنیون و منتقدان حدیث اشاره کرد. منتقدان حدیث شیعه یکی از جریان‌هایی است که با شعار بازگشت به قرآن و سلف صالح و با هدف اتحاد امت اسلامی و مبارزه با خرافات در رویارویی با پیشرفت‌های خیره‌کننده غرب و تهاجم همه‌جانبه استعمار به کشورهای اسلامی در ایران شکل گرفت.

در مورد زمینه‌ها و علل پیدایش منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر گرچه در لابه‌لای برخی از کتاب‌ها و مقاله‌ها اشاراتی شده، اما به صورت جامع و منسجم در این زمینه پژوهش علمی صورت نگرفته است، با این وجود از مقاله‌ها و کتاب‌هایی که به این جریان فکری اشاره‌هایی کرده‌اند می‌توان به مواد زیر اشاره کرد:

مقاله «انقلاب مشروطه زایش نوگرایی دینی در ایران» از مهدی رهبری، مقاله «گفتمان وهابیت و اندیشه معاصر ایران» از مهدی ناظمی قره باغ و مقاله «نقد دیدگاه و عملکرد جریان قرآنیان شیعه» از علی تصدیقی شاه‌رضایی و از جمله کتاب‌هایی که در آن‌ها بخش‌هایی از آن به مبانی فکری و آرای آنان اختصاص داده شده می‌توان از کتاب «السنة فی الفکر الامامی الشیعی التکوین والصوره» اثر حیدر حبّ الله، جریان‌های سیاسی - مذهبی ایران اثر رسول جعفریان، «جریان شناسی قرآن‌بستگی» از محمد ابراهیم روشن ضمیر، «درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر» تألیف مجید معارف و سعید شفیعی، «اندیشه اصلاح دین در ایران» تألیف مقداد نبوی رضوی و «سیری در تفکر کلامی معاصر» تألیف محمد صفر جبرئیلی که هر کدام در بخش‌های کوتاهی به منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر هرچند با عناوین دیگری اشاره‌هایی کرده‌اند. آنچه ما در این نوشتار در پی آن‌یم این است که اولاً ضمن تعریف دقیقی از منتقدان حدیث، بیان نماییم جریان منتقدان حدیث شیعه دارای دسته بندی و طیف‌هایی مختلفی بودند؛ ثانیاً تفاوت عمده گروه منتقدان حدیث با گروه قرآنیون چیست؛ ثالثاً زمینه‌ها و علل پیدایش جریان منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر چه چیزهایی بوده است. این امر می‌تواند در دستیابی به شناخت کاملی از واقعیت‌های این

جریان فکری یاری رسانده، نقش مؤثری بر اندیشه و عمل امروز ما داشته باشد. بدین منظور، نخست با جریان قرآن بسندگان در تفسیر، قرآنیون و منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران آشنا خواهیم شد. آنگاه تفاوت قرآنیون و منتقدان حدیث شیعه و گونه شناسی این جریان مورد توجه قرار خواهد گرفت. سر آخر به طور مبسوط به زمینه‌ها و علل پیدایش گروه‌های دوم و سوم جریان منتقدان حدیث شیعه در دوره معاصر ایران پرداخته خواهد شد.

### قرآن بسندگان در تفسیر، قرآنیون و منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر

در تعامل حدیث با قرآن در دوره معاصر هم در حوزه اهل سنت و هم در حوزه شیعه چند جریان فکری شکل گرفته است که در ادامه به معرفی این جریان‌ها پرداخته می‌شود.

#### ۱. قرآن بسندگان در تفسیر

قرآن بسندگان در تفسیر بر این عقیده هستند که قرآن مستقلاً قابل فهم و درک است و می‌توان همه آیات قرآن را به کمک خود قرآن تفسیر کرد و برای دریافت معانی و مقاصد قرآن، نیازی به غیر آن اعم از سنت و دیگر منابع نیست. اما سنت نه تنها به عنوان یکی از منابع دین از حجیت برخوردار است، بلکه تفصیل معارف و جزئیات احکام قرآن را باید از سنت به دست آورد (مهریزی، ۱۳۸۲: ۱۵؛ روشن ضمیر، ۱۳۹۰: ۱۳۷). این گروه وابستگی قرآن به حدیث را در بیان مقاصد نفی کرده و قائل به مبین بودن خود قرآن و تفسیر قرآن به قرآن می‌باشند، از طرفداران این جریان می‌توان محمد حسین طباطبایی را نام برد که وی در این زمینه تا جایی پیشرفته، که معتقد به انحصار فهم قرآن با خود قرآن می‌باشد (طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۳: ۷۷).

#### ۲. قرآنیون

افراد این جریان فکری که برخی از محققان از آنان به «قرآن بسندگان در دین» (ر.ک: همان: ۲۲۰) یاد کرده‌اند، بر این باورند که قرآن برای هدایت انسان کافی می‌باشد،

این عده بر اصالت قرآن تأکید نموده و معتقد به بازگشت به قرآن شده‌اند، و اعتبار و حجّیت حدیث را رد نموده‌اند، و بر این عقیده‌اند که نه تنها قرآن در تفسیر خود بسنده و بی‌نیاز از سنّت است، بلکه اساساً در دریافت آموزهای دین نیازی به سنّت و حدیث نبوی نیست. قرآنیون بر این باورند که قرآن برای بیان گزاره‌ها و احکام دینی بسنده است، و تمام دین را به طور اجمال و تفصیل و همه کلیات و جزئیات آن را در بر دارد و هیچ چیز را فروگذار نکرده است؛ بنابراین، نیازی به سنّت، برای شناخت آموزه‌های دین و دریافت احکام آن ندارد (ر.ک: الهی بخش، ۱۴۲۱: ۲۱۰). از عناصر این جریان می‌توان به محمد توفیق صدقی، احمد صبحی منصور، غلام احمد پرویز و سید احمد خان اشاره کرد.

لازم به ذکر است نامگذاری قرآنیون یا اهل قرآن وصف ستایشی برای این جریان یا حاکی از شدت تمسک آنان به قرآن نیست، بلکه این نام از آن روی بر این جریان نهاده شده که آنان اطاعت و پیروی بدون چون و چرا را پیامبر(ص) منکر شده‌اند.

### ۳. منتقدان حدیث شیعه

در میان علمای شیعه جریانی وجود نداشته که به مانند قرآنیون اهل سنّت به طور قاطع به انکار اصل سنّت و حدیث پیامبر(ص) بپردازد. تنها در دوره معاصر در جهان تشیع عده‌ای در پی کم رنگ کردن نقش سنّت در هندسه مسائل دینی برآمده و اعتبار بسیاری از روایات را منکر شده‌اند و به تعبیر برخی از محققان، جریان «قرآنیون شیعه» را تشکیل داده‌اند (حُب الله، ۲۰۰۶: ۶۱۲؛ مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۳۸). زیرا رهروان این مکتب، احساس کردند که نص قرآن در فرهنگ مذهبی شیعه به نفع روایات و اخبار، کنار گذاشته شده و نقشی ایفا نمی‌کند. بنابراین، از یک سو برای تحکیم مرجعیت قرآنی، به ویژه ایده امکان فهم قرآن بدون نیاز به حدیث، وارد عمل شدند، و از سوی دیگر بر نقد میراث روایی شیعی و نقد بسیاری از اخبار آحاد و احادیث مذهبی پراکنده در کتب روایی، و اثبات سخافت و تعارض آن‌ها با قرآن کریم یا مخالفت با عقل سلیم، تأکید نمودند. البته با مطالعه و بررسی آثار و کتب این افراد درمی‌یابیم که چنین جریانی با جریان قرآنیون اهل سنّت شباهت تام و تمام ندارد، بلکه از لونی دیگر و با آهنگی دیگر

و زمینه‌ای متفاوت می‌باشند. این طیف فکری از معاصران شیعه در صدد برآمده‌اند از طریق ردّ و مناقشه با روایات جعلی و ضعیف، نقش حدیث و سنت در مرجعیت احکام دینی تضعیف و نقش قرآن را پررنگ سازند (معارف و شفیعی، ۱۳۹۴: ۱۸۱).

ناگفته نماند افراد این جریان فکری با نام‌های مختلف دیگری در آثار معاصران جلوه‌گر شده‌اند؛ شاید بتوان گفت اولین نفری که در ایران برای این نوع جریان‌های فکری عنوان قرآنیان را استفاده کرد، احمد کسروی باشد (ر.ک: کسروی، ۱۳۲۳ش: ۳۲). جریان‌های تجدید نظر طلب در عقاید شیعه (ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱: ۱۰۱۱ به بعد)، قرآن بسندگان (ر.ک: بابایی، ۱۳۸۷، ج ۲: ۱۲۸)، روشنفکران معارض با سنن و عقاید شیعی (ر.ک: جبرئیلی، ۱۳۹۱: ۳۷۱ به بعد)، اندیشه‌های اصلاح دینی در شیعه (ر.ک: نبوی رضوی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۵۸۸)، تجدید نظر طلبان در حدیث (ر.ک: مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۳۸) و موحدین (ر.ک: برقی، سوانح ایام: ۸۷ و ۸۸ و ۲۶۴) از جمله دیگر نام‌هایی است که این نحله فکری به آن‌ها نامگذاری شده است. رهیافت کلی این افراد، بازنگری در منابع حدیثی و بکارگیری معیار و ساز و کارهایی افزون بر ملاک‌های رایج، بر شناخت روایات صحیح و جداسازی آن‌ها از روایات مجعول و محرف و امثال آن است؛ دیدگاه‌ها و آرای اینان که برخی روشمند و برخی یکسونگرانه و دست کم نابهنجار در مبانی و روش‌ها است در مراکز علمی و تحقیقی، بازتاب یافته و نقدها، اظهار نظرهای مخالف نیز مواجه شده است (مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۱۴۳). این گروه علاوه بر نقدهای سندی حدیث، بر نقد متنی حدیث نیز تأکید دارند و معتقدند که متن و محتوای روایات باید با مسلماتی همچون قرآن و عقل سنجیده شود. احادیثی را که متفق علیه امت اسلام باشد را قبول دارند و مسائلی همچون عدم کتابت حدیث در قرون اولیه، رواج نقل به معنا در احادیث، کثرت جعل و وضع را مطرح، و بر نقد متن برای تشخیص درستی و نادرستی روایات تأکید می‌کنند.

جریان مورد نظر حد وسط جریان قرآنیون و نگاه غالب و مشهور به حدیث قرار می‌گیرد که در این پژوهش بر آنان عنوان منتقدان حدیث شیعه اطلاق می‌گردد. برخی از مهم‌ترین این افراد عبارت‌اند از *اسدالله خرقانی*، محمد *خالصی‌زاده*، شریعت سنگلجی، فرید تنکابنی، یوسف *شعار تبریزی*، محمدتقی *شوشتری*، محمد *باقر بهبودی*، نعمت‌الله

صالحی نجف آبادی، محمد صادقی، ابوالفضل برقی، حیدرعلی قلمداران و مصطفی حسینی طباطبایی.

### گونه‌شناسی جریان منتقدان حدیث شیعه در تاریخ معاصر ایران

با مطالعه زندگی و بررسی آثار منتقدان حدیث شیعه می‌توان گفت افراد این جریان فکری اگرچه دارای اشتراکاتی هستند، اما تفاوت‌های زیادی نیز با هم دارند و آن‌ها را در زیر گروه‌های متعددی باید شناخت. این جریان فکری به نوبه خود دارای گروه‌ها و طیف‌های گوناگونی می‌باشد و مراتبی به هم نزدیک و مراتبی از هم دور می‌شوند؛ که شاید جهت شناسایی بهتر، بتوان آنان را به این سه گروه تقسیم کرد:

گروه اول دانشمندانی هستند که در عین حال که از اصالت و اعتبار حدیث در کل دفاع می‌کنند، رویکرد انتقادی نسبت به احادیث دارند. سیره عملی این گروه ضمن پای‌بندی به عقاید شیعه، نوعاً ضعف شناسی و جعل زدایی از مواریث روایی است و معتقدند می‌توان معارف دینی و احکام فقهی را بر پایه اخبار صحیح بنا کرد. از جمله این افراد می‌توان به محمد تقی شوشتری، محمد صادقی و محمد باقر بهبودی اشاره کرد (معارف و شفیع، ۱۳۹۴: ۱۴).

گروه دوم کسانی هستند که علاوه بر رویکرد انتقادی نسبت به احادیث، و ضمن تعلق خاطر به مذهب تشیع امامی، تنها به باورهای چون غلو، ولایت تکوینی، علم غیب، شفاعت، زیارت، توسل و عزاداری یا برخی از آن‌ها می‌پرداختند و این عقاید را که اکثراً برگرفته از احادیث بودند را زیر سؤال می‌برند، و با گستره و طیف وسیع اندیشگی که دارند همراه شدت و ضعف به ضرورت پالایش آن‌ها، یا برخی از آن‌ها از اندیشه دینی شیعیان باور داشتند (نبوی رضوی، ۱۳۹۶، ج ۲: ۵۸۸). از جمله این افراد می‌توان به اسدالله خرقانی، محمد خالصی‌زاده، شریعت سنگلجی، عبدالوهاب فرید تنکابنی، یوسف شعار تبریزی و نعمت‌الله صالحی نجف‌آبادی اشاره کرد.

گروه سوم کسانی بودند که در مسیر نقدهای خود به روایات و منابع حدیثی، به تدریج از اصول و مبانی تشیع فاصله گرفته یا حتی از برخی عقاید شیعه روی‌گردان شده‌اند. از عناصر این جریان می‌توان به ابوالفضل برقی (در آثار مختلفش) و حیدرعلی

قلمداران (در آثار گوناگونش به خصوص کتاب «شاهراه اتحاد») اشاره کرد (معارف و شفیع، ۱۳۹۴: ۱۸۲).

### تفاوت منتقدان حدیث و قرآنیون

قرآنیون و منتقدان حدیث اگرچه هر دو بر قرآن تأکید بسیار نموده و در واقع افراط‌گرایی مبتلا شده‌اند ولی با یکدیگر تفاوت‌های ویژه‌ای دارند؛ منتقدان حدیث سنت را یکسره انکار نمی‌کنند؛ اما بر کاستی‌های میراث حدیثی و ناستواری آن تأکید می‌ورزند. برخی، منتقدان حدیث را در شمار قرآنیان آورده‌اند؛ ولی با مطالعه کتب و آثار آن‌ها و آنچه از اندیشه‌های آنان گزارش شده، می‌توان دریافت که این گروه منکر کلی سنت نیستند و از این رو انتساب مذکور صحیح نیست (الهی بخش، ۱۴۲۱: ۱۶۵-۱۸۶). در واقع وجه تمایز منتقدان حدیث و منکران حدیث، این است که دسته نخست سنت را یکسره نفی نمی‌کنند و بیش‌تر بر پالایش و اصلاح میراث حدیثی تأکید می‌ورزند؛ اما قرآنیون به گونه‌ای افراطی حجیت سنت را انکار کرده و از «قرآن بسندگی» سخن می‌گویند (مهدوی‌راد، ۱۳۹۴: ۷۶-۷۷). به عبارت دیگر منتقدان حدیث در مقام ثبوت، سنت و حدیث را قبول دارند ولی در مقام اثبات با آن مشکل دارند. آنان با اصل حجیت سنت موافق هستند و هیچ‌گاه آن را نفی نکرده‌اند، لذا نمی‌توان آنان در زمره قرآنیون به حساب آورده، اما آنان در مقام اثبات و وقوع خارجی، اکثر روایات را با شاخصه‌های خود، مطرود می‌دانند.

### زمینه‌های پیدایش منتقدان حدیث شیعه

برای هر دانش‌پژوهی که در پی آگاهی از شکل‌گیری جریان‌های فکری میان مسلمانان و تحولات فکری آنان است، مطالعه دقیق در تاریخ و اندیشه‌های این جریان‌های فکری به وجود آمده در اسلام ضروری است.

ظهور، گسترش و تمایز اندیشه‌های جریان‌های فکری و نوگرا علاوه بر اسباب ویژه، معلول عواملی است که در یک فرایند تدریجی و متأثر از یکدیگر به وقوع پیوسته‌اند. شناخت اجمالی اندیشه جریان فکری منتقد حدیث شیعه را هرچند می‌توان با شناخت

عوامل تاریخی و فکری خاص آن‌ها به دست آورد؛ اما آگاهی و شناخت دقیق از جریان منتقد حدیث شیعه در ایران معاصر میسر نیست، مگر اینکه زمینه‌ها و عواملی که در پیدایش این جریان فکری سهیم بودند، مورد بررسی قرار گیرد.

از میان زمینه‌ها و علل گوناگون، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی مطرح شده برای این جریان فکری، در ادامه تلاش می‌شود به زمینه‌ها و عوامل مهم و برجسته پیدایش این گروه اشاره شود. نظر به تأثیر مستقیم و یا غیر مستقیمی که این زمینه‌ها بر این جریان فکری داشته‌اند، این زمینه‌ها در دو قسمت زمینه‌های عام و زمینه‌های خاص آورده شده است.

### **الف. زمینه‌های عام**

در این قسمت به زمینه‌هایی اشاره خواهد شد که با توجه به فضای اصلاحگری که در جهان غرب، همچنین جهان عرب پدیدار شده بود، جامعه نواندیش ایرانی نیز با توجه به ارتباطاتی که با خارج از کشور داشتند از این فضای حاکم در بین متفکران بی‌تأثیر نبوده، و غیر مستقیم از این زمینه‌ها تأثیر پذیرفته، که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به، اصلاحات دینی در یهودیت و مسیحیت، آشنایی با تجدد و تمدن غرب، آشنایی و ارتباط ایرانیان با متفکران نواندیش جهان عرب اشاره کرد، که در ادامه به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

### **اصلاحات دینی در یهودیت و مسیحیت**

یکی از عواملی که در ظهور جریان نقد متون دینی در میان مسلمانان بدون تأثیر نبوده است، آشنایی با اصلاحات دینی در دیگر ادیان ابراهیمی، یهودیت و مسیحیت می‌باشد. در بین متفکران نوگرا یهودی و مسیحی و مسلمان گرایشی وجود دارد که بر بسندگی کتاب مقدس و قرآن تأکید دارند و سنت را به مثابه مرجع معتبر و مقدس را انکار می‌کنند و یا مورد نقدهای جدی قرار داده و از اعتبار آن به طور چشمگیری می‌کاهند که در یهودیت، با عنوان قارئون و در مسیحیت با عنوان پروتستان‌ها و در اسلام با عنوان قرآنیون یاد می‌شود اگرچه در اسلام قرآنیون خود نیز به دو دسته افراطی



و معتدل تقسیم می‌شوند که از معتدلین آن‌ها که به منتقدان حدیث نیز تعبیر می‌شود؛ به نظر می‌رسد با توجه به فضای اصلاح طلبی و نواندیشی دینی و شباهت‌های غیر قابل انکاری که بین این جریان در یهودیت و مسیحیت و همچنین اسلام وجود دارد می‌توان گفت که جریان منتقدان حدیث شیعه از آنان غیر مستقیم تأثیر پذیرفته و می‌تواند از این گرایش فکری موجود در دیگر ادیان گرته‌برداری نموده باشد، و حتی اگر دغدغه و مبنای متفاوتی داشته باشند، پیامدهای نظری و عملی یکسانی در پی خواهند داشت.

### ۱. قرائیم در یهودیت

قرائیم فرقه‌ای یهودی است که در نیمه دوم قرن هفتم در بابل پدید آمد. *عنان* یا *عنان بن دود* بنیانگذار فرقه قرائیم به شمار می‌آید که در عهد منصور خلیفه عباسی می‌زیست. او در مصر، فلسطین و ایران پیروانی پیدا کرد. واژه قرائیم، به معنای قرائت کنندگان اهل کتاب می‌باشد. نظر به اینکه آنان به تفسیر تورات و شریعت شفاهی اعتقاد نداشتند و فقط تورات را معتبر می‌دانستند، به این نام خوانده شده‌اند. بر اساس نظر قرائیم وظیفه هر یهودی این است که تورات بازگشته و آن را مطالعه کرده و خود بهترین معنی برای دستورها را بیابد (بیات، ۱۳۸۰: ۴۲). بنابراین قرائیم اعتقاد دارند که آن‌ها یهودیت واقعی را همانگونه که خدا در تنخ (تورات مکتوب) دستور داده است رعایت می‌کنند و نیازی به رعایت تلمود و تفسیرهای بعد از تورات که ساخته روحانیون یهودی بوده نمی‌باشد (رضی، ۱۳۶۰: ۴۴۷).

### ۲. سنت و کتاب مقدس

رابطه بین سنت و کتاب مقدس، معضل همیشگی در تاریخ کلیسای مسیحیت بوده است. پروتستان‌ها بر این عقیده بودند که کتاب مقدس، مجرای روح است که نیروی روح القدس از طریق آن جریان می‌یابد. عقیده کاتولیک‌ها نیز این بود که فعالیت روح القدس هنگام تکمیل آخرین کتاب عهد جدید، متوقف نشد؛ بلکه او از راه سنت‌های دستگامی زنده به نام کلیسا همچنان اراده‌اش را آشکار می‌کند (براون، ۱۳۸۲: ۳۹۶). در واقع کتاب مقدس و سنت، هر دو منبع حقیقت به شمار می‌روند و نباید آن‌ها را از هم جدا

کرد(همان: ۳۲۷). شعار مصلحان پروتستان، بازگشت به کتاب مقدس بود. آنان می‌گفتند تنها کتاب مقدس، حجیت دارد و یگانه قانون الهی معصوم برای ایمان و عمل است (انس، ۱۸۹۰، ج ۱: ۶۵). این ادعای پروتستان‌ها که تنها کتاب مقدس، حجیت دارد، لوازم اعتقادی و عملی دیگری را نیز در پی داشت. که می‌توان به، انکار حجیت کلیسا (همان: ۵۳-۶۳)؛ استقلال انسان در مراجعه به کتاب مقدس بدون نیاز به واسطه و مفسر رسمی(دانستن، ۱۳۸۱: ۲۵)؛ ردّ برخی آداب و شعائر مرسوم(همان: ۲۶)؛ کافی بودن کتاب مقدس برای هدایت(ر.ک: انس، ۱۸۹۰، ج ۱: ۸۸) اشاره کرد.

با مطالعه آثار منتقدان حدیث شیعه می‌توان همین افکار و اندیشه‌ها را به نوعی دیگر در آراء و نظرات آنان مشاهده کرد و به ورود افکار اصلاح طلبانه یهودیت و مسیحیت در این گروه پی برد، از جمله قابل فهم بودن کتاب خداوند برای همه مردم و عدم نیاز به مفسر که *ابوالفضل برقی* با نوشتن کتاب قرآن برای همه پای‌بندی‌اش را به این نظریه مورد تأکید قرار داده است(ر.ک: برقی، قرآن برای همه: ۸۲-۷۱)، همچنین(ر.ک: قلمداران، بی‌تا: ۱۶۰ و سنگلجی: ۲۱ و حسینی طباطبایی: ۱۵۰). مبارزه با شعائر و رسوم خرافی در دین، *ابوالفضل برقی* بسیاری از شعائر مذهب تشیع را از جمله توسل و شفاعت و زیارت قبور را بدعت و خرافات می‌داند(ر.ک: برقی، خرافات وفور در زیارات قبور: ۴۵ به بعد و ر.ک: خرقانی، بی‌تا: ۱۲ و قلمداران، بی‌تا: ۲۳۷).

### آشنایی با تجدد و تمدن غرب

بررسی وضع اندیشه در ایران معاصر بدون توجه جدّی به تجدد، امری ابتر و بی ثمر خواهد بود. مدرنیسم در بسط طبیعی خود، همه کشورهای اسلامی، از جمله ایران را در بر گرفت و این، همه شئون سیاسی و اجتماعی و فرهنگی کشور را شامل شد. حتی پیدایش فرقه‌ها و جریان‌های متعدد مذهبی هم بی‌ارتباط با پروژه مدرنیزاسیون نیست. عصر روشنگری در اروپا بدون نقد دین ممکن نبود. اندیشمندان این عصر در تلاش بودند تا با الهیات طبیعی به نقد الهیات فلسفی و سنتی بپردازند. بدین ترتیب، نوعی تلاش برای قداست زدایی از عالم با تعطیل هستی به پدیده‌های طبیعی در آن‌ها دیده می‌شود (مددپور، ۱۳۷۲: ۲۷-۲۹).

اندیشه‌وران روشنگری خرد را در چالش با اوهام، خرافات، جزم‌گرایی و تعصب‌هایی قرار دادند که نهاد دین به نام دین رواج می‌داد. *والتر* آموزه‌های دین و آموزه‌های نهاد دین را از یکدیگر تفکیک می‌کرد و با کلیسا به عنوان نهادی که جزم‌گرایی، قشری‌گرایی و خرافه در جامعه می‌پراکند و دین، اخلاق و خرد را سرکوب می‌کند، مقابله می‌کرد (نقیب زاده، ۱۳۹۴: ۱۲۸).

در اینجا بود که عقل‌گرایی به عنوان یکی از مفاهیم و اصول عمده تمدن غرب، در دوره روشنگری قرار گرفت. عقلانیت جدید به تدریج علاوه بر علم، سایر علوم انسانی را در بر گرفت. هدف آن در معرض انتقاد و آزمایش قرار دادن عقاید، عرف، رسوم و اثبات آن‌ها با ملاک‌های عقلی بود. عقل‌گراها عقل را تنها منبع و معیار حقیقت می‌دانستند (ر.ک: طاهری بنچاری، ۱۳۸۹: ۴۱-۴۳).

اصلاح طلبی دینی و نوگرایی مذهبی دارای نتایج فراوانی در غرب بود که در این مقال می‌توان به بعضی از آن‌ها اشاره کرد. یکی از نتایج نواندیشی و اصلاح‌گرایی دینی در غرب، نفی مرجعیت دینی در تفسیر کتاب مقدس است. بر این اساس می‌توان تفسیر شخصی از دین را در برابر تفسیر رسمی و کلاسیک قرار داد (ر.ک: همان: ۸۱-۸۳). یکی دیگر از نتایج این گرایش در غرب امروز، نقد تاریخی متون مقدس است. به این معنا که باید با نگاه انتقادی در باب مدعیات کتاب مقدس به تفحص علمی پرداخت و بر اساس صحت و سقم، مدعیات آن را بررسی کرد (همان: ۸۸-۹۰). از این زمان به بعد بود که دانشمندان جرأت نقد متون مذهبی را پیدا کردند و محتویات آن را بر اساس عقل و علم بشری مورد بررسی و نقد قرار دادند. اصلاحات دینی در عصر تجدد متأثر از دوره روشنگری اروپا، جهان اسلام را از هند تا مصر را نیز درنوردید. در متون مرتبط به عصر مدرنیزاسیون ایرانی، نویسندگانی از ایران درباره غرب و آشنایی‌شان با اروپا قلم فرسایی کردند که باروری این گونه اندیشه‌ها و آشنایی‌ها با جهان غرب را می‌توان در تحولات آینده ایران به خوبی حس کرد. از آن جمله می‌توان به عبد اللطیف شوشتری اشاره کرد، وی که در هندوستان با انگلیسی‌ها آشنا گردید و از پیشرفت‌های علمی غرب در زمینه‌های مختلفی از جمله پیشرفت صنعتی و پزشکی و همچنین اصلاحات مذهبی در غرب آگاهی‌ها و اطلاعات قابل توجهی را به ایرانیان داد (شوشتری، ۱۳۶۳: ۲۵۳ و ۲۹۴).

همچنین گزارشات *سلطان الواعظین* و امثال آن، که نشانگر خرسندی آن‌هاست از انجام اصلاحات دینی در اروپا و مقابله با آنچه ایشان خرافات می‌دانستند. سید جمال نیز با تأثیرپذیری از این جریان، بر پاک کردن عقل از خرافات و بزرگداشت شخصیت انسان، پا می‌فشارد و صراحتاً از پروتستانیسیم حمایت می‌ورزد. مشابه چنین انگیزه‌هایی را می‌توان در روشنفکرانی چون *آخوندزاده* نیز پیگیری کرد (ر.ک: مددپور، ۱۳۷۲: ۲۰۵-۲۱۱). به طور خلاصه می‌توان گفت که در دوره روشنگری به دو مسأله تکیه شده که حلقه مشترک بین آن‌ها و منتقدان حدیث شیعه می‌باشد و در اندیشه این جریان بی‌تأثیر نبوده، یکی تأکید بر عقل و خرد بشری و دیگری انتقاد از عقاید و نقد متون مذهبی با ملاک‌های عقلی که به طور محسوسی این دو مسأله در آثار منتقدان حدیث به چشم می‌خورد و تقریباً همه افراد این طیف فکری به نوعی به آن اشاره یا تأکید کرده‌اند و با همین مبنا به نقد کتب حدیثی پرداخته‌اند.

در همین زمینه *ابوالفضل برقی* عقل و خرد بشری را یکی از مبانی خود برای نقد متون مذهبی اعلام می‌کند و با احادیثی که با عقل سازگاری ندارند مخالفت می‌ورزد. وی در این باره می‌گوید: «اکثر اخبار موجود در کتب معتبره ما ضد قرآن و مخالف عقل و موجب خسران دنیا و آخرت است» (برقی، ۱۴۳۱: ۱۲). وی در نقد کتاب «اصول کافی» بر عقل و خرد تأکید کرده و می‌گوید: «بسیاری از مطالب و مندرجات کتاب اصول کافی ضد عقل و قرآن است» (همان: ۴). «ما این کتاب را در بسیاری از موارد مغایر با قرآن کریم و مملو از خرافات یافته و در مواردی مطالب آن را با قواعد عقلی نیز موافق نمی‌بینیم» (همان: ۲). بدین ترتیب اولین آشنایی ایرانیان با افکار تجددگرایانه همراه با نگاهی نقادانه به دین و متون مذهبی در تعامل با اروپا حاصل شد که مقدمه‌ای برای اقدامات بعدی در دوره‌های آتی گردید.

### آشنایی و ارتباط ایرانیان با متفکران نواندیش جهان عرب

یکی دیگر از عوامل تأثیرگذاری که در شکل‌گیری جریان منتقدان حدیث شیعه در ایران معاصر آشنایی ایرانیان با متفکران نوگرا در جهان عرب که به نو معتزله (عرب صالحی، ۱۳۹۳: ۴۶) مشهورند، بوده است.

ایرانیان و اعراب از دیرباز ارتباط عمیق و گسترده‌ای داشتند و پس از اسلام این ارتباط گسترده‌تر شد. پس از صفویه این پیوند کمی سست شد اما پس از ظهور نوگرایی اسلامی پیوند و تعامل تازه‌ای پدید آمد. مصر در سده اخیر پیشگام و کانون بیداری اسلامی و روشنفکری دینی بوده است. در روزگار پیش از مشروطه شماری از نوگرایان و اصلاح طلبان ایرانی در مصر در حالت بی‌قید تحمیلی می‌زیستند و به کارهای تجاری و یا مطبوعاتی مشغول بودند. به عنوان نمونه می‌توان به *زین العابدین مراغه‌ای* و کتاب معروف او «سیاحتنامه ابراهیم بیگ - یا بلای تعصب» او اشاره کرد که تأثیر زیادی در آگاهی اجتماعی و سیاسی جامعه ایران در آستانه جنبش مشروطه ایران داشته است (ر.ک: مراغه‌ای، سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ، ج ۱: ۵۰ به بعد). سید جمال الدین اسدآبادی نیز بیش‌ترین دوران اقامت خود را (هشت سال) در مصر گذراند (حلبی، بی‌تا: ۵ و ۸). به طور کلی می‌توان گفت که از چند طریق افکار و آرای روشنفکران عرب (حتی روشنفکران غیر مسلمان) در ایران رواج پیدا کرد. یکی از طریق مسافرت و اقامت ایرانیان در بلاد عربی و گاه اقامت برخی از اعراب نوگرا در ایران، دیگر از طریق ترجمه آثار و مکتوبات نوگرایان عرب در ایران و سوم از طریق ارتباط و آشنایی با عثمانی و رفت و آمد تجاری و یا سیاسی به استانبول که در آن زمان تقریباً تمام جهان عرب را نمایندگی می‌کرد و زبان عربی در آنجا زبان رسمی و علمی و دیوانی بود. همچنین چاپ مطبوعات، مانند روزنامه «اختر» که در استانبول چاپ و در ایران توزیع می‌شد، در زمان پیش از مشروطه حامل افکار نوگرایان عرب و ترک در ایران بود (استادی، «روزنامه اختر و تغییر خط فارسی»، مجله بهارستان، ش ۱۶).

آشنایی و ارتباط ایرانیان با جهان عرب در سالیان پس از جنگ جهانی اول و به ویژه پس از جنگ دوم و شهریور ۱۳۲۰ رو به گسترش نهاد. رفت و آمد افزون شد، نشریات و کتاب‌های عربی به ایران بیش‌تر وارد گردید. برخی کنگره‌های اسلامی در فلسطین و مصر و عثمانی تشکیل شد و بعضی از نوگرایان ایران در آن‌ها شرکت کردند. از جمله می‌توان به شرکت محمود *طالقانی* در کنگره اسلامی کراچی در سال ۱۳۳۱ اشاره کرد که در آن شمار قابل توجهی از نواندیشان عرب شرکت داشتند. همچنین می‌توان از سفر ایشان به اردن و تونس و مصر و شرکت در کنگره دارالتقریب اسلامی و دیدار با شیخ

محمود شلتوت در سال ۱۳۳۸ و شرکت فعال وی در کنگره عمومی اسلامی (المؤتمر الاسلامی العام) در بیت المقدس در سال ۱۳۳۰ و ۱۳۴۰ شمسی نام برد (جعفریان، رسول، پیشین: ۴۷۷). مجموعه این روند آشنایی با متفکران منتقد حدیث در جهان عرب، اسلام گرایان ایرانی (اعم از نوگرا و سنتی) را تحت تأثیر قرار داده و با نظرات نوگرایانه در سنت و نقد کتب روایی آشنا کرد (یوسفی اشکوری، «آشنایی روشنفکران ایرانی با روشنفکران عرب»، روزنامه شرق، ش ۷۵۳: ۱۸).

جریان نواندیش عرب ضمن اظهار اعتقاد به حجیت حدیث، بر میراث حدیثی بر جای مانده ایرادهای جدی گرفته‌اند (مهریزی، «نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل سنت»، ۱۳۸۳: ۹). برخی از مهم‌ترین این افراد عبارت‌اند از:

۱- رشید رضا (م ۱۳۵۴ق): رشید رضا از یک سو بر نقد متن تأکید می‌ورزد و از دیگر سو به وجود روایات جعلی و اسرائیلیات تأکید داشته، روایانی چون وهب بن منبه و کعب الأحبار را به شدت مورد انتقاد قرار می‌دهد و روایات آنان را ساختگی می‌شمارد (ر.ک: رشید رضا، ۱۹۴۷، ج ۱: ۱۷۵).

۲- احمد/امین (م ۱۹۵۴م): احمد/امین در دو کتاب «ضحی الاسلام» و «فجر الاسلام» اهتمام جدی به نقد متن دارد و معتقد است که باید در پرتو مطالعات تاریخی درست به نقد روایات پرداخت (ر.ک: امین، ضحی الاسلام، ۱۹۹۸، ج ۲: ۱۰۶-۱۳۷؛ همو، فجر الاسلام، ۱۹۶۹: ۲۱۷-۲۱۸).

۳- محمود/ابوریّه (م ۱۹۷۹م): ابوریّه دو کتاب مستقل در تبیین دیدگاه‌های خود منتشر کرده است؛ یکی کتاب «اضواء علی السنّة النبویة أو دفاع عن الحدیث» - که اولین بار در سال ۱۹۵۷م، به چاپ رسیده - و دیگری کتاب «ابوهریره شیخ المضیره» که به سال ۱۹۶۳م، منتشر شده است. وی آرای نو در این دو اثر ارائه کرد که بازتاب‌های بسیاری داشت. برخی از آرای وی چنین است: بسیاری از احادیث به صورت نقل به معنا به ما رسیده است (ر.ک: ابوریّه، بی تا: ۵۰-۷۰). کتاب‌های «صحیح البخاری» و «صحیح مسلم خالی از روایت‌های ضعیف نیست و این دو کتاب را قابل انتقادند (ر.ک: همان: ۲۷۲-۲۸۹). وی معتقد است که روایات صحابه نیز باید مورد نقادی و سنجش قرار گیرد و

نمی‌توان از عدالت و وثاقت همه آنان دفاع کرد (ر.ک: همان: ۳۱۲-۳۳۲). به نقد محتوایی متن احادیث تأکید می‌ورزد (همان: ۳۶۹-۳۸۲).

با توجه به قرابت و نزدیکی که بین نظرات و آرای متفکران نوگرا عرب با منتقدان حدیث شیعه یافت می‌شود و همچنین تقدم زمانی متفکران نواندیش جهان عرب نسبت به منتقدان حدیث شیعه و نیز ارتباط بین آنها به صورت مسافرت و ترجمه متون می‌توان چنین نتیجه گرفت که نظرات منتقدان حدیث شیعه با توجه به فضای اصلاحگری موجود در جهان اسلام بی‌تأثیر از آرای متفکران نواندیش عرب نبوده است. از جمله نظرات نزدیک و مشترک آنان می‌توان به تأکید بر نقد کتب معتبر حدیث و وجود احادیث ساختگی در آنها (ابوریته، بی‌تا: ۲۷۲-۲۸۹؛ برقی، سوانح ایام: ۲۴۹)، نقد محتوایی حدیث بر مبنای عقل و قرآن (امین، ۱۹۶۷: ۲۱۷-۲۱۸؛ خرقانی، بی‌تا: ۱۳، ۷۲ و ۷۶)، و عدم کافی دانستن خبر واحد در بخش اعتقادات (رضا، ۱۹۴۷، ج ۱: ۱۳۵؛ برقی، تابشی از قرآن، ج ۱: ۱۸۶؛ همو، قرآن برای همه: ۶۳-۶۴؛ قلمداران، ۱۳۹۰: ۳۶۳) و... اشاره کرد.

### ب. زمینه‌های خاص

در این قسمت به زمینه‌هایی اشاره خواهد شد که جریان منتقدان حدیث شیعه به طور مستقیم از آنان تأثیر پذیرفته‌اند، که از مهم‌ترین آنها می‌توان به تأثیرپذیری از جریان وهابیت، پیدایش شخصیت‌های روشنفکر و مهجوریت قرآن در جامعه اشاره کرد که در ادامه به بیان آنها می‌پردازیم.

### تأثیرپذیری منتقدان حدیث شیعه از جریان وهابیت

ظاهراً آشنایی ایرانیان با وهابیت به زمان فتحعلی‌شاه برمی‌گردد. در آن زمان عبدالعزیز، حاکم سعودی، بعد از جنایاتی که در عتبات عالیات داشت، به فتحعلی‌شاه نامه‌ای نگاشت و در آن خود را امیر مسلمین و او را پادشاه عجم نامید و ضمن توجیه اقدامات خویش وی را دعوت به توحید نمود (ر.ک: فقیهی، ۱۳۶۶: ۲۶۹-۲۶۸) پس از آن نیز ایرانیان همواره از طریق موسم حج و مسافرت و ترجمه آثار با مواضع وهابی‌ها آشنا

می‌شدند. در طی این مدت، مواضع بسیاری از روشنفکران و روحانیان، قرابت‌های قابل توجهی با وهابیت داشته است. احمد کسروی، ابوالفضل برقی، فرید تنکابنی، شریعت سنگلجی، و حیدرعلی قلمداران برخی از افرادی بوده‌اند که در محافل مختلف به این گرایش متهم شده‌اند. اهمیت این بحث از آنجا روشن می‌شود که برخی از اصول مذهب شیعه، همچون منصوص بودن امامت که از سوی برخی منتقدان حدیث شیعه مورد نقد قرار گرفته و همچنین بعضی از شعائر و آداب موجود در مذهب تشیع که از نظر برخی ایشان خرافات نامیده می‌شد عیناً همان چیزهایی است که از سوی وهابیان بدعت و شرک نامیده شده است.

به عنوان نمونه حیدرعلی قلمداران معصوم بودن امام(ع) را رد می‌کند و در این رابطه معتقد است که امامان دوازده‌گانه شیعیان که اعتقاد به عصمت و امامت آنان دارند، در برخورد با حکام ظلم و جور هر کدام نظرات و اعمال خاص خود را داشته‌اند که با عمل امام دیگر مخالف بود و علما نتوانسته‌اند آن اعمال را با یکدیگر جمع نمایند؛ مانند صلح امام حسن و جنگ امام حسین و سکوت و گوشه‌گیری ائمه دیگر. و شیعیان به ناچار با توجه به احادیث رسیده از امامان به اینجا رسیدند که هر یک از امامان دوازده‌گانه کتاب خاصی که خداوند به آن‌ها داده بود مأمور بودند طبق آن کتاب رفتار نمایند، یعنی آنان خود، وظائف خاصی داشتند و تابع کتاب و سنتی مخصوص بودند(ر.ک: قلمداران، ۱۳۹۰: ۲۱۱). وی منصوص بودن امام(ع) را از جانب خداوند متعال مورد سوال برده و رد می‌کند و می‌گوید: «منظور ما به هیچ وجه انکار افضلیت علی نیست. حاشا و کلا! بلکه قصد ما آن است که نشان دهیم مسأله امامت منصوص حقاً دلیل شرعی ندارد و اصرار بر آن جز با لجاج و تعصب و پیروی از عادات و آداب غلط آباء و اجداد ممکن نیست؛ و الا تردید نداریم که امیر المؤمنین برای هدایت و ارشاد مردم و تعلیم احکام و معارف و اداره امور سیاسی و اجتماعی امت پیامبر(ص) بیش از دیگران شایستگی داشت»(همان: ۱۶۸).

همچنین قلمداران درباره شعائر و مراسم رایج در مذهب تشیع معتقد است که اکثر اعمالی که در میان شیعیان به نام شعائر دین صورت می‌گیرد از قبیل تعمیر مقابر و تعظیم مشاهد و عزاداری‌ها و زنجیرزنی و نذر و قربانی برای غیر خدا و موقوفات و



اعتقاداتی همچون شفاعت و توسل‌ها، خرافات می‌باشد و مخالف شرع و مباین با تعالیم پیامبر اکرم و ائمه بزرگوار اسلام بوده و شرک خالص است. وی عقیده دارد که فراموش شدن و متروک گشتن احکام مهم و اساسی اسلام نزد عوام و حتی خواص مسلمین، از قبیل توحید عبادت، اتحاد و اجتماع مسلمین و جهاد و اجتهاد در اعتلای کلمه الله و اجرای حدود و قوانین و مقررات اسلام، به سبب وجود چنین خرافاتی است. ایشان تصریح می‌کند که این گونه آیین‌ها و مراسم‌ها خرافات می‌باشد و هیچ گونه دستوری در قرآن و سنت نبوی درباره برگزاری این گونه آیین‌ها نیامده و مصداق بدعت در دین است (همان: ۳۶۴). برقی نیز در سخنرانی‌های خود و در کتاب «بررسی علمی احادیث مهدی» وجود امام مهدی(ع) را موهوم می‌داند و انکار می‌کند(ر.ک: برقی، بررسی علمی احادیث مهدی، سراسر اثر).

همانگونه که اشاره گردید به علت شباهت زیادی که در مسائلی همچون نقد امامت، شفاعت، رجعت، زیارت، توسل و عزاداری بین دیدگاه‌های منتقدان حدیث شیعه با دیدگاه‌های وهابیان وجود دارد، برخی از سران این جریان؛ همچون خرقانی، شریعت سنگلجی، حیدرعلی قلمداران و ابوالفضل برقی از سوی برخی علما به تبلیغ وهاب‌گیری متهم شدند(ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۰۶، ۷۸۹، ۸۸۰، ۸۸۲، ۹۰۷، ۹۰۸). اما سؤال اینجاست که آیا منتقدان حدیث شیعه مبلغ تفکر وهاب‌گیری بودند؟ در پاسخ به این پرسش می‌توان گفت: اگرچه این جریان فکری دارای طیف گسترده‌ای هستند و همگی در یک قالب قرار نمی‌گیرند، اما با مراجعه به اقوال و رفتار و مطالعه نوشته‌ها منتقدان مذکور می‌توان دریافت که برخی از آن‌ها آگاهانه یا ناآگاهانه به چنین کاری دست زده و برخی از عقایدی که نمونه‌هایی از آنان ذکر شد را بین شیعیان ترویج کرده‌اند که به عقاید وهابیت نزدیک یا با آن یکسان و هم‌سو است؛ به عنوان مثال، شریعت سنگلجی به گفته خودش در عربستان از عقاید سابق خود توبه کرده است(ر.ک: سنگلجی، بی‌تا: ۶۰) و به نقل از محمد جواد مشکور، وی زمانی که از طرف میرزا حسین خان مؤتمن الملک به حج رفت با مطالعه آثار وهابی‌ها به این روش مذهبی گرایش پیدا نمود(ر.ک: جعفریان، ۱۳۹۱: ۸۸۲). در عمل می‌بینیم، توحید عبادت سنگلجی، همچون ترجمه‌ای از کتاب «توحید» محمد بن عبدالوهاب است(ر.ک: سنگلجی، بی‌تا: ۴۵؛ سبحانی، بی‌تا،

ج ۱: ۳۸۹) که در آن مسائلی از قبیل: توسل، تبرک، شفاعت و زیارت را به چالش کشیده است. *ابوالفضل برقی* نیز کتاب «منهاج السنّة»/بن تیمیّه را با نام رهنمود اهل سنت ترجمه کرده است. برقی همچنین کتابی از محمد بن عبدالوهاب با عنوان «عقیده اسلامیّه» ترجمه کرده که در آن عقاید اسلامی از دیدگاه وهابیان مطرح شده است. *امام خمینی* (م ۱۳۶۸) در بیان علت تقلید و پیروی این گروه از عقاید وهابیت، که پیش از این نویسندگان در عهد جوانی در نقد کتاب «اسرار هزار ساله» با عنوان «کشف اسرار» چنین گفته است: «این‌ها چون به اشکالات وهابیه که دست به دست نزد چندین تن بی‌خرد گردیده؛ برخورد کرده‌اند خود قوه علم و تمیز نداشتند که به جواب آن پردازند... و نیز نخواستند زیر بار عالمی دانشمند روند و جواب این اشکالات بی‌خردانه را دریافت کنند؛ ناچار شدند از تقلید کورکورانه وهابی‌ها...» (خمینی، بی‌تا: ۵).

### پیدایش شخصیت‌های روشنفکر

نیمه دوم قرن سیزدهم هجری (قرن نوزدهم میلادی) که غرب پس از دوره رنسانس، پیشرفت‌های خیره‌کننده‌ای را تجربه می‌کرد و جهان اسلام در برابر آن احساس ضعف و عقب ماندگی می‌کرد، تهاجم گسترده و همه‌جانبه استعمار غربی به جهان اسلام آغاز شد. در واکنش به برتری جویی غرب، برخی چنان دچار خود باختگی شدند که هرگونه پیشرفت و ترقی را در تسلیم بی‌قید و شرط در برابر فرهنگ و تمدن غرب دیدند، در ایران *میرزا ملکم خان*، این اندیشه را تبلیغ می‌کردند. در این میان، اندک اندیشمندانی که از طرفی غرب و جریان‌های فکری برآمده از آن را به خوبی می‌شناختند و از طرفی دیگر از پشتوانه اندیشه ناب اسلامی برخوردار بودند راه دیگری را برگزیدند. این جریان استفاده از دانش و تکنولوژی غرب را به عنوان دستاورد عظیم مشترک انسانی روا می‌شمرد؛ اما بر این باور بود که اصول و مبانی دینی و ارزش‌های آن را تنها باید در اسلام جست‌وجو کرد.

آنچه آنان به مبارزه با آن برخاسته بودند اقتباس از ارزش‌ها و عقاید سیاسی و اجتماعی غربیان و یا اختلاط آن‌ها با مبانی اسلامی بود و امت اسلامی را به ستیزی همه‌جانبه علیه سلطه‌گری و غارتگری غرب فرا می‌خواندند و برای رسیدن به این مقصد، بر

احیای تفکر دینی و بازگشت به آموزه‌های قرآن اصرار می‌ورزیدند(روشن ضمیر، محمد ابراهیم، جریان شناسی قرآن بسندگی: ۵۵). از این دسته افراد می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی اشاره کرد. از آنجایی که سید جمال‌الدین اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی تأثیر و نقش غیر قابل انکاری در جریان روشنفکری در ایران معاصر داشتند مروری هرچند کوتاه بر نظرات ایشان خواهیم داشت.

### ۱. سید جمال‌الدین اسدآبادی

سید جمال‌الدین که پرچمدار اتحاد اسلامی بود(راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸: ۲۸۲) حرکت خود را با شعار بازگشت قرآن و سنت قطعی و پیروی از آن در راه مبارزه با خرافات آغاز کرد و خود او با بسیاری از آنچه که از نظر وی خرافه و بدعت قلمداد می‌شد، شدیداً مبارزه کرد. او به دنبال این بود که نوعی وحدت در جهان اسلام به وجود بیاورد(عباسی، دینداری و خردگرایی: ۲۶ و ۲؛ راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸: ۱۹۶) البته اتحاد سیاسی نه اتحاد مذهبی(راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸: ۲۸۳ و ۲۸۵) چون اتحاد مذهبی پدیده‌ای است که امکان وقوع آن به آسانی به دست نمی‌آید ولی اتحاد سیاسی در جهان اسلام اگرچه مشکل، ولی قابل تحقق بود.

سید جمال، رسالت اصلاحگری خود را بر پایه رهایی امت از یوغ ظالمان ستمگر، استوار ساخت بوده، از این رو، از یک سو، بر ضد حاکمان ظالم، دعوت به شورش می‌کرد و توده مردم را به رویارویی با حاکمان ظالم برمی‌انگیخت و از سوی دیگر، همه مسلمانان را به سبب ناآگاهی‌شان به قرآن و فراگرفتن سنن الهی درباره امت‌ها و جوامع از قرآن، به سختی سرزنش می‌کرد. به باور وی، مسلمانان باید در پرتو هدایت قرآن به شرع مقدس ملتزم باشند، به آیات الهی چنگ زنند و به دامان سنت پیامبر(ص)، به ویژه بخشی که مبین و مفسر کتاب خداست، پناه برند(الدغامین، زیاد خلیل، «نواندیشی در نگره قرآنی سید جمال»، مجله الهیات و حقوق، شماره ۱۷: ۲۱۷)

سید جمال به خاطر نظرات اصلاحی خود در زمان حیاتش به اتهاماتی همچون وهاب‌گیری متهم شده بود(راوندی، تاریخ اجتماعی ایران، ج ۸: ۲۸۲). او خود در این باره

می‌نویسد: «... و فرقه اسلامی، مجوسم می‌دانند، سنی، رافضه و شیعه، ناصبی، بعضی از اخیار چهار بادیه، وهابی گمان کرده‌اند و برخی، از ابرار امامیه، بابی‌ام پنداشته‌اند... نه کافر به خود می‌خوانند و نه مسلم‌ام از خود می‌داند، از مسجد مطرود و از دیر مردود، حیران شده‌ام که به کدام آویزم و با کدام به مجادله برخیزم...» (همان: ۲۸۳).

سید، را از قرآنیان نمی‌توان به حساب آورد چون علاوه بر قرآن به سنت نیز پای‌بند بوده و به عقیده برخی صاحب‌نظران، «رساله نیچریه» خود را در ردّ نظرات تفسیری سید احمد خان و هم‌فکران او نوشت. سید جمال‌الدین، هیچ‌گاه از چهارچوب‌ها و خطوط قرمز تشیع و اسلام عبور نکرد. او تنها به دنبال قدرتمند کردن جهان اسلام بود، و این هدف را فقط در اتحاد مسلمانان جست‌وجو می‌کرد.

## ۲. شیخ هادی نجم‌آبادی

فرد دیگری که دیدگاه‌ها و اندیشه‌های او در پیدایش تفکر اصلاح‌گری، نقد متون مذهبی و بازگشت به قرآن و بازگشت به گذشته در دوره معاصر ایران تأثیرگذار بوده، شیخ هادی نجم‌آبادی است.

نجم‌آبادی از روحانیون آزاده تهران بود. او در سال ۱۲۵۰ قمری در نجم‌آباد متولد شد و در ۱۲ سالگی به نجف اشرف برای تحصیل رفت. وی در ۳۰ سالگی به تهران بازگشت و عهده‌دار امامت و موقوفات خانوادگی شد. ایشان سرانجام در سال ۱۳۲۰ قمری از دنیا رفت. نجم‌آبادی روحیه‌ای منتقد نسبت اوضاع داشت (حائری، تشیع و مشروطیت، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق: ۹۲). وی تأثیر چشمگیری بر تحولات در ایران معاصر یعنی در دوران مشروطه خواهی و حتی پس از آن داشته است. تعلیمات شیخ هادی نجم‌آبادی در بیداری ایرانیان و پراکندن اندیشه‌های نو کمک فراوانی کرد (همان: ۷). نجم‌آبادی با توجه دیدگاه نقادانه‌اش حتی از سوی برخی علما مورد تکفیر و متهم به بابی‌گری شد و سال‌ها در گوشه انزوا عمر خود را پایان رسانید (ملک‌زاده، تاریخ انقلاب مشروطیت ایران: ۶۹). بیش‌تر ایرانیانی که در راه آنچه که خود روشنگری می‌دانستند، و همچنین کسانی که برای آزادی‌های سیاسی فعالیت می‌کردند از آشنایان شیخ هادی بودند، و ایشان به نوعی بر آنان تأثیرگذار بوده

است(حائری، تشیع و مشروطیت، تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق: ۹۱). از مهم‌ترین دیدگاه‌های شیخ هادی نجم‌آبادی می‌توان به قرآن محوری، عقل‌گرایی، (نجم‌آبادی، تحریر العقلاء: ۹۲ و ۳۳) نقد متون دینی، گذشته‌گرایی(همان: ۱۰۸) و پیرایه‌زدایی از دین و برچیدن خرافات(همان: ۱۲۱) از آن اشاره کرد. اندیشه‌های اصلاحی سید جمال‌اسد‌آبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی، تأثیر شگرفی بر شاگردان ایشان به جای گذاشت. در فضایی که همان شرایط سیاسی و اجتماعی سابق یعنی خودباختگی فرهنگی مسلمانان در برابر هجوم بی‌امان فرهنگ تمدن غرب، به همراه جریانات مشروطه و التهابات سیاسی وجود داشت، یکی از کسانی که هم شاگردی سید جمال را در کارنامه‌اش داشت و هم شاگردی نجم‌آبادی، سید اسدالله خرقانی بود، که با اندیشه و شعار بازگشت به قرآن و دوران طلایی اسلام یعنی چهل سال اول آن و نقد متون مذهبی ظهور کرد.

شریعت سنگلجی نیز از درس تفسیر قرآن خرقانی استفاده کرده و تحت تأثیر اندیشه‌ها و افکار ایشان بوده، بدین ترتیب می‌توان گفت سنگلجی با یک واسطه شاگرد فکری شیخ هادی نجم‌آبادی و سید جمال‌الدین‌اسد‌آبادی بوده، و از آنان تأثیر پذیرفته است. در سال‌هایی که شریعت سنگلجی به تبلیغات دینی خود می‌پرداخت، افراد زیادی در محفل او حضور یافتند یا تحت تأثیر آثار وی قرار گرفتند، که البته برخی از ایشان در تاریخ اندیشه دینی ایران نیز تأثیرگذار بوده‌اند؛ برخی از مهم‌ترین آن‌ها عبارت‌اند از شیخ محمد سنگلجی، عبدالحسین آیتی، محمود طالقانی، مهدی بازرگان، میرزا یوسف شعار، حیدر علی قلمداران و... بنابراین می‌توان گفت از زمینه‌های شکل‌گیری جریان نوگرایی دینی و بازگشت به قرآن و نگاه نقادانه به دین و متون مذهبی در ایران معاصر، می‌توان به تأثیرپذیری از اندیشه‌های اصلاحی و نوگرایانه سید جمال‌الدین‌اسد‌آبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی اشاره کرد.

## مهوریت قرآن

یکی دیگر از زمینه‌ها و عوامل پیدایش منتقدان حدیث شیعه در تاریخ معاصر ایران که می‌توان از آن یاد کرد و کم و بیش در برخی از آثار این گروه به آن اشاره شده است،

مهوریت قرآن در میان عامه مردم در جامعه آن روز و در دوره زندگی پیروان این جریان فکری می‌باشد. در این ایام قرائت و انس با قرآن در میان عامه مردم شکل جدّی به خود نگرفته و از سوی دیگر برخی از شعائر مذهب تشیع مانند زیارات، توسل‌ها و عزاداری‌ها و ... بیش‌تر جلوه‌گر شده بود. همین مسأله به عنوان دغدغه‌ای برای برخی از این افراد گردید و در فکر چاره‌ای برای جذب مردم به قرآن شدند و به گمان افراد این جریان، یکی از آن راه‌ها جدا کردن مردم از احادیث و بازگشت به قرآن بود.

*ابوالفضل برقی* در این رابطه می‌گوید: «در این روزگار کار به جایی رسیده که صدها هزار نفر به نام امام حسین (ع) زنجیر بر خود می‌کوبند اما یک نفر از ایشان عقاید حقّه قرآن را نمی‌داند با اینکه امام را تابع همین قرآن می‌دانند» (برقی، احکام القرآن: ۱۳).

همچنین وی می‌گوید: «قرآن دارای تمام محسنات و از هر جهت برای مسلمین نعمت و هدایت است اما متأسفانه ملت ما از آن دور و مهجور و بی بهره مانده‌اند در زمان ما بیش‌تر از آن بی‌خبر و اکثر گویندگان و نویسندگان ضدّ آن می‌بافند و جز نامی از قرآن در میان نیست و یک حدیث ضعیف و مجعولی را بر قرآن مقدم می‌دارند و رغبتی که به یک حدیث مخالف قرآن و یک شعر منافی آن دارند به قرآن ندارند می‌توان گفت عقایدشان ضدّ قرآن و رفتارشان مانند دشمنان آن. گویا کلاً علیه قرآن قیام کرده‌اند» (همان: ۴).

### نتیجه بحث

منتقدان حدیث شیعه در ایران جریانی هستند که از یک سو برای تحکیم مرجعیت قرآنی، به ویژه ایده امکان فهم، و کفایت قرآن در هدایت انسان در مسائل اعتقادی، بدون نیاز به احادیث وارد عمل شدند؛ و از سوی دیگر بر نقد بسیاری از احادیث آحاد مذهبی پراکنده در کتب روایی، و بازنگری در منابع حدیثی و استفاده خاص از معیارهای رایج برای شناخت روایات صحیح و جداسازی آن‌ها از روایات مجعول و محرّف و امثال آن تأکید دارند.

در تمایز منتقدان حدیث و قرآنیون می‌توان گفت که بر خلاف قرآنیون که سنت و حدیث را کنار گذاشته‌اند، منتقدان حدیث، سنت را یکسره نفی نمی‌کنند و بیش‌تر بر

پالایش و اصلاح میراث حدیثی تأکید می‌ورزند؛ به عبارت دیگر منتقدان حدیث در مقام ثبوت، سنت و حدیث را قبول دارند ولی در مقام اثبات با آن مشکل دارند. لذا نمی‌توان آنان در زمره قرآنیون که معتقدند در دریافت آموزه‌های دین نیازی به سنت و حدیث نبوی نیست به حساب آورد.

این جریان را نمی‌توان طیف واحدی به حساب آورد و جهت شناسایی بهتر، آنان را باید به گروه‌های مختلفی تقسیم کرد که در این پژوهش به سه گروه تقسیم شدند. زمینه‌های پیدایش منتقدان حدیث شیعه در تاریخ معاصر ایران مطرح شده مربوط به گروه‌های دوم و سوم این جریان فکری بوده شامل زمینه‌های عام و زمینه‌های خاص می‌باشد.

زمینه‌های عام زمینه‌هایی هستند که که با توجه به فضای اصلاحگری که در جهان پدیدار شده بود، جامعه نواندیش ایرانی نیز با توجه به ارتباطاتی که با خارج از کشور داشتند از این فضای حاکم در بین دیگر متفکران بی‌تأثیر نبوده، و غیر مستقیم از این جریان‌ها تأثیر پذیرفته‌اند، که عبارت‌اند از اصلاحات دینی صورت گرفته در دیگر ادیان که بر استفاده مستقیم و بدون واسطه مردم از کتاب مقدس و قابل فهم بودن آن و انتقاد از سنت و حدیث تأکید داشته است؛ انتقاد از عقاید و رسوم، و نفی مرجعیت دینی در تفسیر کتاب مقدس که در عصر تجدد در اروپا وجود داشت؛ آشنایی و ارتباط با متفکران نواندیش اهل سنت که بر نقد متون حدیثی تأکید داشتند.

زمینه‌های خاص که تأثیر مستقیم بر این جریان فکری داشته و عبارت‌اند از تأثیرپذیری از جریان وهابیت با توجه به نزدیکی تفکرات برخی از منتقدان حدیث شیعه و فرقه وهابیت و ترجمه آثار وهابیت توسط برخی از افراد این جریان؛ اندیشه‌های اصلاحی و نوگرایانه و نقادانه دینی و بازگشت به قرآن سید جمال/اسدآبادی و شیخ هادی نجم‌آبادی که تأثیر شگرفی بر شاگردان ایشان به جای گذاشت، به طوری که اکثر افرادی که بعد از آنان دایه نقد اصلاح دینی در جامعه ایران را داشتند به طور مستقیم مانند اسدالله خرقانی یا غیر مستقیم مانند شریعت سنگلجی و دیگران با افکار این دو اندیشمند آشنا بودند؛ مهجوریت قرآن و دوری اکثریت جامعه آن روز از قرآن از سویی، و اشتیاق به شعایر مذهب تشیع مانند زیارات، توسل‌ها و عزاداری‌ها و... از سویی دیگر

باعث شد که برخی از افراد این گروه در فکر چاره‌ای برای جذب مردم به قرآن باشند که به گمان آنان، یکی از آن راه‌ها جدا کردن مردم از احادیث، و رجوع به خود قرآن بود.



## کتابنامه

- ابوریته. بی‌تا، **اضواء علی السنة المحمدية**، الطبعة السادسة، قاهره: دار المعارف.
- استرآبادی، محمد امین. ۱۳۶۳ش، **الفوائد المدنیة**، قم: دار النشر لأهل البيت.
- امین، احمد. ۱۹۶۹م، **فجر الاسلام**، الطبعة العاشرة، بیروت: دار الكتاب العربی.
- امین، احمد. ۱۹۹۸م، **ضحی الاسلام**، قاهره: مكتبة الاسرة.
- انس، جیمس. ۱۸۹۰م، **نظام التعليم فی علم اللاهوت القویم**، بیروت: مطبعة الأمیركان.
- بابایی، علی اکبر. ۱۳۸۷ش، **مکاتب تفسیری**، چاپ دوم، تهران: انتشارات حوزه و دانشگاه.
- براون، رابرت مک آفی. ۱۳۸۲ش، **روح آیین پروتستان**، ترجمه فریبرز مجیدی، تهران: نشر نگاه معاصر.
- برقعی، سید ابوالفضل. ۱۴۳۱ق، **عرض اخبار اصول بر قرآن و عقول**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **اصول دین از نظر قرآن و آیات مستند به آن**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **بررسی علمی احادیث مهدی**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **تابشی از قرآن**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **خرافات وفور در زیارات قبور**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **سوانح ایام (زندگینامه سید ابوالفضل برقعی)**، سایت کتابخانه عقیده.
- برقعی، سید ابوالفضل. بی‌تا، **قرآن برای همه**، کتابخانه سایت عقیده.
- پاشازاده، غلامعلی. بی‌تا، **دانشنامه جهان اسلام**، مؤسسه دائرة المعارف اسلامی.
- جبرئیلی، محمد صفر. ۱۳۹۱ش، **سیری در تفکر کلامی معاصر**، چاپ اول، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- جعفریان، رسول. ۱۳۹۱ش، **جریان‌ها و سازمان‌های مذهبی - سیاسی ایران**، چاپ چهارم، تهران: خانه کتاب.
- حبّ الله، حیدر. ۲۰۰۶م، **نظریه السنة فی الفكر الشیعة الامامیة**، بیروت: مؤسسة الانتشار العربی.
- حسینی طباطبایی، مصطفی. بی‌تا، **راهی به سوی وحدت اسلامی**، کتابخانه سایت عقیده.
- حلبی، علی اصغر. بی‌تا، **زندگی و سفرهای سید جمال الدین اسدآبادی**، تهران: زوار.
- خرقانی، اسدالله. بی‌تا، **محو الموهوم وصحو المعلوم**، ترجمه بالعربیة سعد محمود رستم، سایت اجتهادات.
- خمینی، روح الله. بی‌تا، **کشف اسرار**، بی‌جا: بی‌نا.
- خوانساری، سید محمد باقر. ۱۳۵۶ش، **روضات الجنات**، ترجمه محمد باقر ساعدی، تهران: کتابفروشی اسلامیة.

- دانستن، جی. لسلی. ۱۳۸۱ش، آیین پروتستان، ترجمه عبدالرحیم سلیمانی، چاپ اول، قم: مؤسسه پژوهشی و آموزشی امام خمینی.
- راوندی، مرتضی. ۱۳۸۲ش، تاریخ اجتماعی ایران، چاپ دوم، تهران: انتشارات نگاه (لوح فشرده تاریخ ایران اسلامی).
- رشید رضا، محمد. ۱۹۴۷م، تفسیر المنار، الطبعة الثانية، قاهره: دار المنار.
- رضی، هاشم. ۱۳۶۰ش، ادیان بزرگ جهان، چاپ پنجم، تهران: فروهر.
- روشن ضمیر، محمد ابراهیم. ۱۳۹۰ش، جریان شناسی قرآن بسندگی، تهران: انتشارات سخن.
- سبحانی، جعفر. بی تا، مفاهیم القرآن (لوح فشرده آثار آیت الله جعفر سبحانی).
- سنگلجی، شریعت. ۱۳۹۵ش، کلید فهم قرآن، سایت کتابخانه عقیده.
- سنگلجی، شریعت. بی تا، توحید عبادت، سایت کتابخانه عقیده.
- شوشتری، عبداللطیف. ۱۳۶۳ش، تحفة العالم ذیل التحفة، به کوشش صمد موحد، تهران: طهوری.
- طاهری بنچاری، میثم. ۱۳۸۹ش، فرهنگ و تمدن غرب از دیدگاه امام خمینی، تهران: مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
- عباسی، حسن. ۱۳۶۹ش، دینداری و خردگرایی، چاپ سوم، تهران: انتشارات همبستگی ملی ایرانیان.
- عرب صالحی، محمد. ۱۳۹۳ش، جریان شناسی اعتزال نو، تهران: پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- عنایت، حمید. ۱۳۷۲ش، اندیشه سیاسی در اسلام معاصر، ترجمه بهاء الدین خرمشاهی، تهران: خوارزمی.
- فقیهی، علی اصغر. ۱۳۶۶ش، وهابیان، چاپ سوم، تهران: صبا.
- قلمداران، حیدرعلی. ۱۳۸۸ش، راه نجات از شر غلات (بحث شفاعت)، تصحیح اسحاق دبیری، سایت کتابخانه عقیده.
- قلمداران، حیدرعلی. ۱۳۹۰ش، شاهراه اتحاد (بررسی نصوص امامت)، چاپ دوم، مراجعه و تصحیح: اسحاق دبیری، بی جا: انتشارات حقیقت.
- قلمداران، حیدرعلی. ۱۳۹۳ش، پژوهشی بنیادین پیرامون خمس از دیدگاه قرآن، سنت و فتوا، تصحیح: حنیف زرنگار، سایت کتابخانه عقیده.
- قلمداران، حیدرعلی. بی تا، ارمغان آسمان، سایت کتابخانه عقیده.
- کسروی، احمد. ۱۳۲۳ش، شیعه گری، تهران: بی جا.
- الگار، حامد. ۱۳۵۶ش، دین و دولت در ایران، مترجم: ابوالقاسم سری، تهران: انتشارات توس.

مددپور، محمد، ۱۳۷۲ش، *سیر تفکر معاصر، زمینه‌های تجدد و دین زدایی در ایران، تهران*: تربیت.

مراغه‌ای، زین العابدین. ۱۳۸۴ش، *سیاحت‌نامه ابراهیم بیگ*، چاپ دوم، تهران: آگاه.

مظفر، محمد. ۱۳۶۸ش، *اصول الفقه*، ترجمه و شرح عبدالله اصغری، قم: نشر ناصر.

معارف، مجید و سعید شفیعی. ۱۳۹۴ش، *درآمدی بر مطالعات حدیثی در دوران معاصر*، چاپ اول، تهران: سمت.

ملک‌زاده، مهدی. ۱۳۶۶ش، *تاریخ انقلاب مشروطیت ایران*، چاپ دوم، تهران: علمی.

مهدوی‌راد، محمد علی. ۱۳۹۴ش، *پژوهش‌های حدیثی مسلمانان*، حدیث و حدیث پژوهی، چاپ دوم، تهران: نشر کتاب مرجع.

نبوی رضوی، مقداد. ۱۳۹۶ش، *اندیشه اصلاح دین در ایران*، تهران: شیرازه کتاب ما.

نجم آبادی، هادی. ۱۳۱۲ش، *تحریر العقلاء*، مقدمه ابو الحسن خان فروغی، تهران: بی‌نا.

نقیب زاده، میر عبدالحسین. ۱۳۹۴ش، *فلسفه کانت: بیداری از خواب دگماتیسم*، تهران: نشر آگه.

هولت، پی ام و لمبتون. ۱۳۸۸ش، *تاریخ اسلام کمبریج*، ترجمه احمد آرام، تهران: امیرکبیر.

الهی بخش، خادم حسین. ۱۴۲۱ق، *القرآنیون وشبهاتهم حول السنة، الطبعة الثانية*، طائف: مکتبة الصدیق.

یوسفی اشکوری، حسن. ۱۳۷۷ش، *نوگرایی دینی: نقد و بررسی جنبش اسلامی معاصر*، تهران: قصیده.

## مقالات

استادی، کاظم. ۱۳۹۱ش، «*روزنامه اختر و تغییر خط فارسی*»، مجله بهارستان، شماره ۱۶.

بیات، عزیزاله. ۱۳۸۰ش، «*فرقه قرائیم*»، مجله فرهنگان، سال سوم، شماره ۹، ص ۴۶.

الدغامین، زیاد خلیل. پاییز ۱۳۸۴ش، «*نواندیشی در نگره قرآنی سید جمال*»، مترجم: علی خیاط، مجله الهیات و حقوق، شماره ۲۱۷.

مهریزی، مهدی. پاییز ۱۳۸۲ش، «*رابطه قرآن و حدیث*»، علوم حدیث، شماره ۲۹.

مهریزی، مهدی. زمستان ۱۳۸۳ش، «*نگاهی به جریان‌های حدیثی معاصر اهل سنت*»، علوم حدیث، شماره ۳۴.

هوشنگی، لیلا. ۱۳۸۸ش، «*مقایسه تورات شفاهی و حدیث در نقل روایت، منع نگارش، تدوین و تنسیق*»، علوم حدیث، سال چهاردهم، شماره چهارم.

